مجهول

فهرست شد

فرهنگنامه
مجهول المؤلف

گلمعین معانی

قدس

میکروفیلم تهیه شد

باز بین شد کتابخانه آستان قدس

۱۳۵۳ خ

اسم کتاب عربی بفارسی

مصنف شناخته نشد

مؤلف

خطی نستعلیق مختلف السطر

چاپی

سال چاپ یا تحریر — عدد اوراق ۱۲۸

جزء کتب لغت شماره

شماره عمومی ۷۰۴۵ شماره قبض

واقف درة السلطنه ملکزاده کوثر تاریخ وقف ابان ۱۳۲۶

طول ۱۴ عرض ۹ سانتیمتر گنجه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

آ ع آ ٢ع ٢ع آ ع ٢

آزر
زعور
تأزیر
زیر جامه پوشانیدن
أمیرة
زن فرمان فرما
بزر
زدن بعصا
بظراء
زن تند کشیده ... لب زیرین او
بور
زن تباه با خیر
بور
زمین لا یزرع

إزار مئزر ازارة
زیر جامه
تأزّر ائتزار إزار ازرة
زیر جامه پوشیدن
بجراء
زن کنده بن ناف
بشیرة
زن خوب روی
بظراء
زن ختنه ناکرده
بوار
زن بیوه
ابهار
زدن نفس پی در پی

از حافی



تبر
زر خالص با مهر ضرب
تبور
زیان
ثور ثوران
شوریده شدن هوی
مجدرة
زنی که در روی علة آبله باشد
جزیرة
زمینی خشک که میان دو دریا باشد
جارة
زن همسایه
مجهر
زن بلند صوت از روی عادت

ثبرة
زمین نرم و کنده
ثبر
زمینی که زن در وی زاییده
جؤار
زاری کردن بوقت دعا
إجرار
زدن نیزه که تا بماند در وی
جار
زنهار داده از ظلم
~~زنهار خواستن~~
جهیرة
زن خوش منظر

... ۱۳۲۱ خورشیدی
بازبینی شد

هباب — انسلکت

یک ساعت بصبح مانده — یک مدو نل قدح زن

تسمیة تشمیة — ریت

برحمك الله گفتن عطسه دهنده را — یکسوی کردن روی

هرت — یاقوت

یکی شدن دو مخرج زن — یاقوت

کاث — رغثة

یکدیگر را انگیختن — یک گوشوار

حجة — جمجمة

یکبار حج کردن — بار اندر [illegible] کردن

[illegible] عیجان غلج — بذایج

یکسان رفتن آب — یکدیگر را سر بریدن از چند لغز

سنجة — فقع

بار کردن مرد را با [illegible] — یاری

یاری خواستن افتتاح



افتتاح اعتضار ~~[illegible]~~ استنجار ۲۳ — اَحَد

یار خواستن — یکی

اَحَد ۲۳ — براد

ایکم — یکی یکی پردن امدن بجنگ

جمر جامد ۲۳ — جمد جمود

یخ — یخ کردن آب

جند خمدة — رشیده

بارکران — یکدفعه باران

رکشد — رفد

یکدفعه باران خوردن زمین — یاری دادن

استرفاد — رانسعار

یاری کردن خواستن — یاری کردن

مساعدة — عضد اعضاد

یاری شدی کردن — یاری دادن

| | |
|---|---|
| معاندة مناجدة مآزرة | عهدان معاهد |
| یاری دادن یکدیگر را | یهودی |
| | فهد |
| فرید | یوزکه جانوریست شکاری از پلنگ کو |
| یگانه | عدّة |
| فنّد | یکدفعه |
| یوز مانند شدن در بسیار خوابی | عدد |
| ندد | بادو |
| یاری | ایه اد |
| استمداد | یاری دادن بعضی بعض را |
| یاری خواستن | یافتن مطلوب |
| تشنّد | یک |
| یاری کردن | وحد وحدة |
| مک | یک شدن |
| وحد حِدَة | یکایا |
| یگانه شدن | |

بازبینی شد ۱۳۷۱
سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد